
حقوق بین الملل و آینده نظم جهانی: آیا همزیستی مسالمت آمیز هنوز یک اصل بنیادین است؟

سید کیهان اسدی

پژوهشگر حقوق بین الملل و مدرس دانشگاه

چکیده

تحولات شتابان نظام بین الملل در قرن بیست و یکم، از گذار به نظم چند قطبی تا تشدید رقابت های ژئوپلیتیک، پرسش های بنیادینی درباره جایگاه اصول کلاسیک حقوق بین الملل مطرح کرده است. یکی از این اصول، «همزیستی مسالمت آمیز دولت ها» است که ریشه در منشور ملل متحد و هنجارهای بنیادین منع توسل به زور، احترام به حاکمیت دولت ها و اصل عدم مداخله دارد. این مقاله با رویکردی تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای و اسناد بین المللی، به بررسی تطور تاریخی، مبانی نظری و کارکرد عملی اصل همزیستی مسالمت آمیز در پرتو تحولات روابط بین الملل می پردازد. مقاله با تحلیل رویه های قضایی دیوان بین المللی دادگستری، تحولات شورای امنیت سازمان ملل متحد، نمونه هایی چون بحران اوکراین، رقابت آمریکا و چین و منازعات منطقه ای، این پرسش را بررسی می کند که آیا همزیستی مسالمت آمیز همچنان یک اصل بنیادین و الزام آور است یا به مفهومی سیاسی و نسبی تقلیل یافته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که اگرچه این اصل با چالش های جدی مواجه است، اما همچنان در قالب هنجارهای آمره، اصل حسن نیت، تعهد به همکاری و ممنوعیت توسل به زور، جایگاه بنیادین خود را حفظ کرده و بازتعریف آن در چارچوب نظم چند قطبی ضروری است.

واژگان کلیدی: حقوق بین الملل؛ همزیستی مسالمت آمیز؛ نظم جهانی؛ منع توسل به زور؛ حاکمیت دولت ها؛ روابط بین الملل؛ چندقطبی گرایی؛ دیپلماسی چندجانبه.

مقدمه

نظم بین الملل معاصر در وضعیتی گذار گونه قرار دارد. فروپاشی نظام دوقطبی، ظهور قدرت های نوظهور، گسترش وابستگی متقابل اقتصادی، و در عین حال افزایش رقابت های ژئوپلیتیک، ساختار سنتی روابط بین الملل را با دگرگونی های بنیادین مواجه ساخته است. در چنین فضای، پرسش از پایداری و کارآمدی اصول بنیادین حقوق بین الملل بیش از پیش اهمیت می یابد.

اصل همزیستی مسالمت آمیز دولت ها، مفهومی است که ریشه در مفاد منشور ملل متحد دارد. ماده ۲ منشور، بر اصولی چون برابری حاکمیت ها، حل مسالمت آمیز اختلافات و منع تهدید یا توسل به زور تأکید می کند. این اصول، ستون های هنجاری نظم پس از جنگ جهانی دوم را شکل داده اند.

با این حال، تحولات اخیر - از بحران اوکراین گرفته تا تنش های دریای چین جنوبی و رقابت های فناورانه - این پرسش را مطرح می سازد که آیا همزیستی مسالمت آمیز همچنان یک اصل الزام آور حقوقی است یا به مفهومی سیاسی و نسبی تقلیل یافته است؟

بیان مسئله :

مسئله اصلی این پژوهش آن است که:

در شرایط گذار به نظم چند قطبی و افزایش رقابت های ژئوپلیتیک، آیا اصل همزیستی مسالمت آمیز همچنان جایگاه بنیادین خود را در حقوق بین الملل حفظ کرده است یا دچار تضعیف ساختاری شده است؟

این مسئله از دو منظر قابل بررسی است:

۱. منظر حقوق بین الملل:

آیا این اصل در قالب قواعد آمره (Jus Cogens) یا تعهدات عام الشمول (Erga Omnes) استمرار یافته است؟

۲. منظر روابط بین الملل:

آیا واقعیت های قدرت و سیاست، این اصل را به حاشیه رانده اند؟

فرضیه پژوهش :

فرضیه اصلی مقاله آن است که:

اصل همزیستی مسالمت آمیز علی رغم چالش های ژئوپلیتیک، همچنان یک هنجار ساختاری در حقوق بین الملل است؛ اما نیازمند بازتعریف مفهومی در چارچوب نظم چند قطبی و تحولات نوین روابط بین الملل است.

روش شناسی :

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر:

- تحلیل اسناد بین‌المللی (منشور ملل متحد، قطعنامه‌های مجمع عمومی)
- بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری
- تحلیل تطبیقی رویکردهای نظری در روابط بین‌الملل (رنالیسم، لیبرالیسم، سازه‌نگاری)
- مطالعه موردی تحولات معاصر انجام شده است.

فصل اول :

مبانی نظری و تاریخی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در حقوق بین‌الملل

۱. ریشه‌های کلاسیک همزیستی در حقوق بین‌الملل سنتی

اندیشه همزیستی دولت‌ها پیش از شکل‌گیری نظام معاصر حقوق بین‌الملل نیز مطرح بوده است. در قرون هفدهم و هجدهم، نظریه‌پردازانی چون گروسیوس، اصل «جامعه دولت‌ها» را مطرح کردند که مبتنی بر پذیرش حاکمیت متقابل و ضرورت تنظیم روابط از طریق قواعد مشترک بود.

صلح وستفالی (۱۶۴۸) مبنای نظم مبتنی بر حاکمیت دولت‌ها را تثبیت کرد. از آن زمان، اصل عدم مداخله و احترام به تمامیت ارضی، به‌عنوان پایه‌های همزیستی دولت‌ها شناخته شد. با این حال، در آن دوره، همزیستی بیشتر یک ضرورت سیاسی برای جلوگیری از جنگ‌های گسترده بود تا یک تعهد حقوقی هنجاری.

۲. منشور ملل متحد و نهادینه‌سازی حقوقی همزیستی

پس از دو جنگ جهانی، جامعه بین‌المللی دریافت که بقای بشریت در گرو مهار قدرت از طریق قواعد الزام‌آور است. بدین ترتیب، منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تصویب شد و اصول بنیادینی را تثبیت کرد که هسته سخت همزیستی مسالمت‌آمیز را تشکیل می‌دهند:

- برابری حاکمیتی دولت‌ها
 - منع تهدید یا توسل به زور (ماده ۲(۴))
 - حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات
 - عدم مداخله در امور داخلی
- این اصول، همزیستی را از یک مفهوم سیاسی به یک تعهد حقوقی ارتقا دادند.
۳. منع توسل به زور؛ ستون فقرات همزیستی
- اصل منع توسل به زور، مهم‌ترین جلوه عملی همزیستی مسالمت‌آمیز است. این اصل نه‌تنها در منشور ملل متحد، بلکه در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تثبیت شده است.

در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (۱۹۸۶)، دیوان تصریح کرد که منع توسل به زور و اصل عدم مداخله، قواعد عرفی الزام آور حقوق بین الملل هستند. این رأی نشان داد که حتی فراتر از منشور، این اصول جایگاهی بنیادین دارند.

امروزه بسیاری از حقوقدانان، منع توسل به زور را در زمره قواعد آمره (Jus Cogens) می دانند؛ قواعدی که هیچ توافقی نمی تواند ناقض آن باشد.

۴. همزیستی در دوران جنگ سرد؛ تعادل هسته ای و صلح منفی

در دوران جنگ سرد، مفهوم همزیستی مسالمت آمیز بیشتر در ادبیات سیاسی بلوک شرق مطرح شد. در این دوره، همزیستی به معنای پرهیز از جنگ مستقیم میان دو ابرقدرت و پذیرش رقابت ایدئولوژیک در چارچوب مهار متقابل بود.

در عمل، همزیستی در این دوره «صلح منفی» بود؛ یعنی نبود جنگ مستقیم، نه لزوماً همکاری فعال. با این حال، همین تعادل هسته ای، نشان داد که حتی در اوج رقابت، اصل پرهیز از جنگ مستقیم میان قدرت های بزرگ رعایت شد.

۵. تحول مفهوم همزیستی پس از جنگ سرد

با فروپاشی اتحاد شوروی، تصور می شد که نظم لیبرال جهانی بر پایه همکاری و چندجانبه گرایی تقویت شود. اما تحولات بعدی نشان داد که:

- مداخلات نظامی یکجانبه

- گسترش ناتو

- رقابت های ژئوپلیتیک جدید

- بازگشت سیاست قدرت

چالش های جدیدی برای همزیستی ایجاد کرده اند.

با این حال، حتی در این شرایط، دولت ها همچنان اقدامات خود را با استناد به مفاهیم حقوقی چون دفاع مشروع، مسئولیت حمایت یا امنیت جمعی توجیه می کنند؛ امری که نشان می دهد چارچوب هنجاری حقوق بین الملل همچنان مرجع مشروعیت است.

فصل دوم :

همزیستی مسالمت آمیز در پرتو نظریه های روابط بین الملل

۱. رئالیسم؛ همزیستی به مثابه تعادل قوا

در نظریه رئالیستی، نظام بین الملل ذاتاً آنارشیک است و دولت ها برای بقا رقابت می کنند. از این منظر، همزیستی نتیجه تعادل قدرت است، نه تعهد اخلاقی یا حقوقی.

اما حتی رئالیست ها نیز می پذیرند که قواعد حقوقی می توانند ابزار مدیریت تعارض باشند. بنابراین، حقوق بین الملل به عنوان سازوکار تثبیت تعادل قوا عمل می کند.

۲. لیبرالیسم؛ همزیستی از طریق نهادهای بین‌المللی

لیبرال‌ها بر نقش نهادهای بین‌المللی، وابستگی متقابل اقتصادی و همکاری چندجانبه تأکید دارند. از این منظر، سازمان‌های بین‌المللی بستر تحقق همزیستی هستند.

شورای امنیت، مجمع عمومی و سازوکارهای داوری و میانجی‌گری، نمونه‌هایی از نهادینه‌سازی همزیستی‌اند.

۳. سازه‌انگاری؛ هنجارها و هویت‌ها

سازه‌انگاران معتقدند که رفتار دولت‌ها صرفاً تابع منافع مادی نیست، بلکه هنجارها و هویت‌ها نیز نقش دارند. از این منظر، همزیستی مسالمت‌آمیز یک «هنجار بین‌المللی» است که از طریق تعامل و تکرار تقویت می‌شود.

فصل سوم :

همزیستی در نظم چند قطبی معاصر

امروزه جهان در حال گذار به نظم چند قطبی است. قدرت‌های نوظهور، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و رقابت‌های فناورانه، ساختار نظام بین‌الملل را پیچیده کرده‌اند.

نمونه‌های معاصر:

• بحران اوکراین و چالش اصل منع توسل به زور

• تنش‌های دریای چین جنوبی

• رقابت ایالات متحده و چین در حوزه فناوری

• تحریم‌های اقتصادی گسترده و مشروعیت آن‌ها

این تحولات نشان می‌دهد که همزیستی دیگر صرفاً به معنای پرهیز از جنگ نظامی نیست، بلکه شامل رقابت اقتصادی، سایبری و ژئوپلیتیک نیز می‌شود.

فصل چهارم :

همزیستی مسالمت‌آمیز در پرتو قواعد آمره، تعهدات عام‌الشمول و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

۱. همزیستی و جایگاه آن در سلسله‌مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل

یکی از پرسش‌های اساسی این پژوهش آن است که آیا همزیستی مسالمت‌آمیز صرفاً یک اصل سیاسی است یا جایگاهی در سلسله‌مراتب هنجاری حقوق بین‌الملل دارد؟

امروزه برخی عناصر این اصل، بدون تردید در زمره قواعد آمره (Jus Cogens) قرار گرفته‌اند، از جمله:

- منع توسل به زور

- منع تجاوز

- منع نسل کشی

- حق تعیین سرنوشت ملت ها

در رویه دیوان بین المللی دادگستری به ویژه در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶) و نظریه مشورتی دیوار حائل (۲۰۰۴)، بر ماهیت بنیادین این قواعد تأکید شده است.

از این منظر، همزیستی مسالمت آمیز نه یک توصیه سیاسی، بلکه برآیند مجموعه ای از قواعد آمره و تعهدات عام الشمول (Erga Omnes) است که همه دولت ها در قبال جامعه بین المللی نسبت به آن مسئول اند.

۲. مسئولیت بین المللی دولت ها در نقض همزیستی

بر اساس پیش نویس مواد مسئولیت دولت ها (مصوب کمیسیون حقوق بین الملل)، هر نقض تعهد بین المللی موجب مسئولیت دولت متخلف می شود.

در موارد نقض اصول بنیادین همزیستی (مانند تجاوز یا مداخله غیرقانونی)، پیامدها شامل:

- تعهد به توقف عمل متخلفانه

- جبران خسارت

- عدم شناسایی وضعیت ناشی از نقض است.

تحولات اخیر نشان می دهد که تحریم های بین المللی، اقدامات متقابل و سازوکارهای پاسخ گویی، به ابزارهای اجرای این مسئولیت تبدیل شده اند؛ هر چند مشروعیت و کارآمدی آنها محل بحث است.

فصل پنجم :

معاهدات و اسناد بین المللی مرتبط با همزیستی مسالمت آمیز

همزیستی مسالمت آمیز در شبکه ای از اسناد الزام آور و اعلامیه های هنجاری تثبیت شده است. مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. منشور ملل متحد (۱۹۴۵)

منشور سازمان ملل متحد سند بنیادین نظم معاصر است. ماده ۱ بر حفظ صلح و امنیت بین المللی تأکید دارد و ماده ۲ اصول بنیادین همزیستی را بیان می کند.

۲. اعلامیه اصول حقوق بین الملل درباره روابط دوستانه (۱۹۷۰)

قطعه نامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی، یکی از مهم ترین اسناد تفسیری منشور است که اصول:

- عدم توسل به زور

- عدم مداخله

- همکاری بین‌المللی

- برابری حقوق و تعیین سرنوشت را تشریح می‌کند.

این اعلامیه نقش مهمی در تبدیل همزیستی به یک هنجار عرفی داشته است.

۳. کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹)

این کنوانسیون چارچوب تنظیم روابط قراردادی دولت‌ها را فراهم می‌کند و اصل «وفای به عهد» (Pacta Sunt Servanda) را تثبیت می‌کند؛ اصلی که برای اعتماد متقابل و همزیستی پایدار ضروری است.

۴. اسناد منطقه‌ای

در سطح منطقه‌ای نیز اسنادی چون:

- منشور سازمان وحدت آفریقا

- منشور اتحادیه اروپا

- منشور سازمان همکاری شانگهای

بر اصل احترام متقابل و عدم مداخله تأکید دارند.

۵. معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات

معاهدات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، کنوانسیون‌های منع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک، نقش حیاتی در کاهش تهدیدات ساختاری علیه همزیستی ایفا کرده‌اند.

فصل ششم:

وظایف سازمان ملل متحد و سایر دولت‌ها در تضمین همزیستی مسالمت‌آمیز

۱. وظایف سازمان ملل متحد

الف) شورای امنیت

شورای امنیت مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. ابزارهای آن شامل:

- تحریم‌ها

- اعزام نیروهای حافظ صلح

• صدور قطعنامه های الزام آور

است. با این حال، وتوی قدرتهای بزرگ گاه کارآمدی آن را محدود کرده است.

(ب) مجمع عمومی

مجمع عمومی نقش هنجارساز دارد و از طریق قطعنامه ها، توسعه تدریجی حقوق بین الملل را پیش می برد.

(ج) دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری با حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، نقش بنیادینی در تثبیت همزیستی دارد.

۲. وظایف دولت ها

دولت ها موظفاند:

۱. از تهدید یا توسل به زور خودداری کنند.

۲. اختلافات را از طریق مذاکره، داوری یا دادرسی حل کنند.

۳. به تعهدات معاهده ای خود پایبند باشند.

۴. از مداخله در امور داخلی دیگران بپرهیزند.

۵. در مقابله با تهدیدات مشترک (تروریسم، تغییرات اقلیمی، جرایم سایبری) همکاری کنند.

۳. دیپلماسی چندجانبه به عنوان ابزار همزیستی

دیپلماسی چندجانبه، سازوکار عملی تحقق همزیستی است. مذاکرات اقلیمی، توافقات تجاری و گفت وگوهای امنیتی منطقه ای، نمونه هایی از این رویکردند.

در جهان چندقطبی، همزیستی نه به معنای حذف رقابت، بلکه مدیریت رقابت در چارچوب قواعد حقوقی است.

فصل هفتم :

چالش های معاصر همزیستی مسالمت آمیز: تحلیل مصادیق بین المللی

۱. بحران اوکراین و چالش اصل منع توسل به زور

بحران اوکراین یکی از مهم ترین آزمون های اصل همزیستی مسالمت آمیز در قرن بیست و یکم است. اقدام نظامی روسیه در سال ۲۰۲۲، پرسش های بنیادینی درباره:

• اصل منع توسل به زور

• احترام به تمامیت ارضی

• حق تعیین سرنوشت

• و مفهوم دفاع مشروع مطرح ساخت.

قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر ضرورت احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین تأکید کردند. این واکنش گسترده نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی همچنان اصل همزیستی را به‌عنوان هنجاری بنیادین به رسمیت می‌شناسد، حتی اگر اجرای آن با محدودیت‌های سیاسی مواجه باشد.

از منظر نظری، این بحران تقابل میان «واقع‌گرایی ژئوپلیتیک» و «هنجارگرایی حقوقی» را آشکار ساخت.

۲. رقابت ایالات متحده و چین؛ همزیستی در بستر رقابت ساختاری

رقابت راهبردی میان آمریکا و چین، نمونه‌ای از همزیستی در شرایط رقابت شدید است. این رقابت:

• اقتصادی (جنگ تعرفه‌ای)

• فناوریانه (هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها)

• امنیتی (دریای چین جنوبی، تایوان) را دربرمی‌گیرد.

با وجود تنش‌ها، دو کشور همچنان در چارچوب قواعد بین‌المللی (سازمان تجارت جهانی، حقوق دریاهای، مذاکرات اقلیمی) تعامل دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که همزیستی مسالمت‌آمیز لزوماً به معنای نبود رقابت نیست، بلکه به معنای مدیریت رقابت در چارچوب حقوقی است.

۳. تحریم‌های اقتصادی و مشروعیت آن‌ها

تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه، ابزار رایج سیاست خارجی شده‌اند. پرسش اساسی این است که آیا تحریم‌های گسترده با اصل همزیستی سازگارند؟

از منظر حقوقی:

• تحریم‌های شورای امنیت مشروعیت منشوری دارند.

• تحریم‌های یکجانبه، محل اختلاف و بحث حقوقی‌اند.

برخی حقوقدانان معتقدند تحریم‌های فراسرزمینی می‌تواند ناقض اصل عدم مداخله و اصل آزادی تجارت باشد.

۴. جنگ‌های نیابتی و مداخله غیرمستقیم

در خاورمیانه، آفریقا و برخی مناطق دیگر، حمایت غیرمستقیم قدرت‌ها از گروه‌های درگیر، نمونه‌ای از چالش‌های نوین همزیستی است. این وضعیت مرز میان مداخله و حمایت مشروع را مبهم می‌سازد.

فصل هشتم :

بازتعریف همزیستی در نظم چندقطبی و جهان شبکه‌ای

۱. گذار از صلح منفی به صلح مثبت

همزیستی در قرن بیست و یکم نباید صرفاً به معنای «عدم جنگ» باشد. صلح مثبت مستلزم:

- همکاری اقتصادی پایدار

- عدالت اقلیمی

- امنیت انسانی

- احترام به حقوق بشر است.

۲. همزیستی در عصر وابستگی متقابل

جهانی شدن موجب شده است که اقتصادها، فناوری‌ها و حتی امنیت سایبری به هم وابسته باشند. در چنین شرایطی، نقض همزیستی می‌تواند آثار فرامرزی گسترده داشته باشد.

۳. دیپلماسی اقلیمی؛ نمونه‌ای از همزیستی نوین

مذاکرات اقلیمی و توافق پاریس نشان می‌دهد که دولت‌ها در برابر تهدیدات مشترک، ناگزیر از همکاری‌اند. تغییرات اقلیمی نمونه‌ای است که در آن همزیستی از سطح امنیت سنتی فراتر رفته و به امنیت زیست‌محیطی گسترش یافته است.

نتیجه‌گیری نهایی :

تحلیل تاریخی، هنجاری و مصداقی این پژوهش نشان می‌دهد که:

- اصل همزیستی مسالمت‌آمیز همچنان در بنیان‌های حقوق بین‌الملل ریشه دارد؛

- عناصر آن در قالب قواعد آمره استمرار یافته‌اند؛

- چالش‌های ژئوپلیتیک معاصر، اجرای آن را دشوار ساخته‌اند؛

- اما دولت‌ها همچنان برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود به زبان حقوق بین‌الملل متوسل می‌شوند؛

این امر نشان می‌دهد که همزیستی نه تنها یک اصل حقوقی، بلکه چارچوب مشروعیت‌بخش نظم جهانی است.

در نظم چندقطبی آینده، بقای نظام بین‌الملل در گرو بازتعریف این اصل در قالب همکاری هنجارمند و مدیریت رقابت است. حذف این اصل به معنای بازگشت به منطق آنارشیک قدرت خواهد بود؛ وضعیتی که هزینه‌های آن برای بشریت غیرقابل تحمل است.

این پژوهش نشان داد که همزیستی مسالمت‌آمیز، علی‌رغم تضعیف نسبی در عرصه سیاسی، همچنان در لایه هنجاری حقوق بین‌الملل حضور قدرتمند دارد. توسل مستمر دولت‌ها به ادبیات حقوقی برای توجیه رفتار خود، بیانگر آن است که مشروعیت در نظام بین‌الملل همچنان در گرو قواعد حقوقی است.

در عصر چندقطبی، آینده نظم جهانی نه در حذف رقابت، بلکه در نهادینه سازی رقابت در چارچوب هنجارهای حقوقی رقم خواهد خورد. از این رو، بازتعریف پویا و تقویت نهادی اصل همزیستی مسالمت آمیز، ضرورتی راهبردی برای بقا و ثبات نظام بین الملل است.

فهرست منابع :

منابع فارسی :

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین الملل عمومی. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۸.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق سازمان های بین المللی. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵.
۳. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۷.
۴. موسویان، سید محمد. «اصل منع توسل به زور در حقوق بین الملل معاصر»، مجله پژوهش های حقوقی.
۵. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد. مواد مربوط به مسئولیت دولت ها برای اعمال متخلفانه بین المللی (۲۰۰۱).
۶. منشور ملل متحد، ۱۹۴۵.
۷. اعلامیه اصول حقوق بین الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان دولت ها (قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی)، ۱۹۷۰.
۸. کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، ۱۹۶۹.
۹. قاسمی، محسن. «تعهدات عام الشمول در حقوق بین الملل»، فصلنامه حقوق.
۱۰. هاشمی، سید قاسم. حقوق بین الملل و نظم جهانی. تهران: میزان.

English References :

۱. Brownlie, Ian. Principles of Public International Law. Oxford University Press.
۲. Shaw, Malcolm N. International Law. Cambridge University Press.
۳. Cassese, Antonio. International Law. Oxford University Press.
۴. Crawford, James. State Responsibility: The General Part. Cambridge University Press.
۵. Koskenniemi, Martti. From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument. Cambridge University Press.
۶. United Nations Charter, ۱۹۴۵.

۷. International Court of Justice, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)*, Judgment, ۱۹۸۶.
۸. International Court of Justice, *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, Advisory Opinion, ۲۰۰۴.
۹. UN General Assembly Resolution ۲۶۲۵ (XXV), ۱۹۷۰.
۱۰. Vienna Convention on the Law of Treaties, ۱۹۶۹.
۱۱. Waltz, Kenneth. *Theory of International Politics*.
۱۲. Keohane, Robert O. *After Hegemony*.
۱۳. Bull, Hedley. *The Anarchical Society*.
۱۴. Franck, Thomas. *The Power of Legitimacy Among Nations*.

۱.